

یادداشت

وعده‌های خاک‌گرفته در گرداب سکوت



کاوه عزیزی

گاه میا، گاه مرو، خیز به یک بار یا (مولانا) فضای سیاسی کشور این روزها حال و هوای ویژه‌ای به خود گرفته است. از یک سو، گت‌وگوها و مجادلات آشکار بر سر جهت‌گیری‌های کلان سیاست خارجی ادامه دارد و از سوی دیگر، دولتی که با آرای مردم به میدان آمد تا نماد تغییر باشد، در سکوتی تأمل‌برانگیز به سر می‌برد. برای بسیاری از کسانی که روزی به وعده‌های تحول‌خواهانه دکتر پزشکیان گوش سپرده بودند، این فاصله میان انتظار و واقعیت جای پرسش بزرگی است. آنچه در نگاه نخست به چشم می‌آید، تصویری از روزمرگی و بی‌عملی است، اما شاید توجهی برای این سکوت فراهم نباشد، اینکه پزشکیان در میدانی قدم گذاشته که پیشینانش به‌سادگی از آن عبور نکرده‌اند و این سکوت، نه از بی‌برنامگی که از درک عمق موانع و پیچیدگی‌های عرصه عمل نشئت می‌گیرد. با این حال، پرسش اینجاست که آیا این درنگ و تعلل، به بهای از دست‌رفتن فرصت‌های طلایی تغییر تمام نمی‌شود؟

نکته قابل تأمل دیگر، تغییر در حلقه همراهان دولت است. همان یارانی که در روزهای سخت مبارزه انتخاباتی، وقتی پیروزی محتمل به نظر نمی‌رسید، پای وعده‌های تغییر ایستاده بودند، یا به دولت وارد نشده‌اند یا به‌تدریج از بدنه دولت فاصله گرفته‌اند (چه به اختیار چه به اجبار) در مقابل، به نظر می‌رسد تیم دولت قبل در ساختار دولت جدید در حال قدرت‌گرفتن بیشتر است. این جایگزینی، این پرسش بنیادین را به ذهن متبادر می‌سازد که آیا این ترکیب عجیب می‌تواند مجری وعده‌هایی باشد که اساسا در تضاد با خاستگاه فکری و سیاسی آنان است؟ به نظر می‌رسد در اراده این افراد مستقر در دولت جدید، تردید جدی برای تحقق خواسته‌های اصلی مردم وجود دارد. چگونه می‌توان انتظار داشت کسانی که سال‌ها در مسیری مخالف با شعارهای انتخاباتی دکتر پزشکیان گام برداشته‌اند، امروز با تمام وجود در جهت تحقق این وعده‌ها بکوشند؟ این تناقض آشکار، یکی از اصلی‌ترین موانع در مسیر تحول مورد انتظار مردم است. با این حال، همین سکوت و تعلل در انجام وعده‌های حتی کوچک مانند گام دوم رفع فیلترینگ می‌تواند به‌تدریج سرمایه اعتماد عمومی را تحلیل ببرد. وقتی شهروندان شاهد تحقق‌نیافتن وعده‌هایی هستند که اجرای آن در حیطه اختیارات دولت است، طبیعتا این پرسش به ذهن ظور می‌کند که مسیر تغییر سیاست‌ها از طریق سازوکارهای حاکمیت چقدر امکان‌پذیر است؟ تجربه تاریخی دولت‌های گذشته - مانند جمله به‌یادماندنی درباره دولت تدارکاتی - هشدار می‌دهد که اگر اراده تحول در میان نباشد، ممکن است دولت جدید نیز در دام رضایت به انفعال گرفتار آید. انتخاب باران همفکر و متعهد به خواست مردم، نه یک انتخاب که بخشی جدایی‌ناپذیر از راه‌حل مشکلات است. دولتی که با شعار تغییر به هر عرصه گذاشته، نیازمند همراهانی است که به این تحول باور داشته باشند و بتوانند آن را در سطح اجرایی پیگیری کنند. در چنین شرایط حساسی، به نظر می‌رسد زمان آن فرا رسیده که از ظرفیت‌های کامل جایگاه قانونی ریاست‌جمهوری استفاده شود. شاید راه برون‌رفت، ایجاد اجماعی فراگیر میان جریان‌های مختلف فکری -از اصلاح‌طلب و اصولگرای معتدل تا سایر نیروهای تحول‌خواه - باشد تا بتوان سیاست‌هایی را پیش برد که خواسته اصلی مردم و نیاز واقعی کشور است. آنچه رئیس‌جمهور وفاق می‌نامدش نباید مانع از انجام تعهد اصلی نسبت به ملت شود. شاید ترکیب جدیدی از نیروها و چهره‌ها - با حفظ هسته اصلی - بتواند توان اجرایی دولت را افزایش دهد و راه را برای تحقق وعده‌های انتخاباتی هموار کند. اما این ترکیب جدید باید از میان کسانی انتخاب شود که به تحول باور دارند و حاضرند برای آن هزینه پرداخت کنند. در این مسیر دشوار، به نظر می‌رسد درمان دردهای کشور نیازمند قاطعیت بیشتر و اقدامات عملی است که ثابت کند تغییر ممکن است. مردم ایران شایسته آن هستند که منافع ملی‌شان در اولویت قرار بگیرد و دولتی که با آرای آنان بر سر کار آمده، بتواند نماینده شایسته‌ای برای تحقق این خواست باشد. آینده کشور نیازمند حرکتی جسورانه و متکی بر خرد جمعی است، حرکتی که بتواند در عین حفظ اصول، از انعطاف لازم برای حل مسائل پیچیده برخوردار باشد. کشتی تحول نه تنها با ناخدای آگاه بلکه با همراهی دستان توانمند ملوایان به مقصد می‌رسد که به‌درستی مسیر را انتخاب کرده و به آن اعتقاد داشته باشند. این همان مسیری است که می‌تواند اعتماد از دست‌رفته را بازگرداند و کشور را از شرایط دشوار کنونی نجات دهد.

ژئوپلیتیک ایران و همکاری منطقه‌ای



محمود اشرفی

همکاری کشورهای منطقه به‌ویژه مناسبات سیاسی کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس بازنای از ژئوپلیتیک ایران و سازوکارهای سیاسی کشورمان است. این کشورها حتی اختلافات مرزی خود را به شیوه‌ای دیپلماتیک نایده‌انکاش‌نشانند. در فراسوی مرزهای شمالی کشورهای نزدیک به مناصت‌اندیشانه ارمنستان با جمهوری آذربایجان بازنای از سیاست منروی‌سازی ایران از طریق جمهوری آذربایجان است. در ژانویه ۲۰۲۱ جمهوری آذربایجان و ترکمنستان به کشمکش طولانی بر سر منابع نفتی میانه دریای کاسپین پایان دادند. براساس توافق‌نامه موسوم به دوستی قرار شد این دو کشور به‌طور مشترک از منابع نفتی و گازی استفاده کنند. دیگر تفاوتی ندارد که جمهوری آذربایجان این میدان نفتی را کاپاز بنامد یا ترکمنستان بر آن نام سرتراپ بنهد؛ آنچه برای این دو کشور اهمیت دارد دوری و دست‌نیافتن ایران به منابع نفت و گاز دریای کاسپین است. این‌گونه همکاری منطقه‌ای و پیرامونی در جهت خلاف منافع ملی ایران است. واکاوی فرایند شکل‌گیری همکاری منطقه‌ای نشان می‌دهد این کنش سیاسی آمیزه‌ای از تلاش در راه برتری جویی منطقه‌ای و منافع اقتصادی بوده است؛ برای مثال درباره همکاری جمهوری آذربایجان و ترکمنستان در مورد منابع نفتی کاسپین، ترکمنستان صرفا منافع مالی را مورد نظر داشته اما جمهوری آذربایجان علاوه بر منافع مالی، تلاشی در جهت انزوای ایران با رهنمودهای ترکیه داشته است. در مجموع ساختار سیاسی و استراتژی فراملی ایران بسیاری از تنش‌های ژئوپلیتیک پیرامونی را به همکاری تبدیل کرده است؛ ازاین‌رو کشورهای پیرامونی خواهان ثبات در ایران هستند، اما این هارمونی سیاسی پایدار نیست. گزینش سیاست مستقل ملی پایانی بر سازش مصلحتی پیرامونی در جهت مخالف منافع ملی ماست. درپیش‌گرفتن سیاست ملی و دوری از نقش‌آفرینی در سرزمین‌های دور، راه پیوستن به برقراری مناسبات دوجانبه سودمند با همسایگان و شکستن پیوندهای همکاریانه مخالف منافع ملی ما را هموار می‌کند.



در سال‌های اخیر، مؤسسات خیریه بسیاری در ایران پا گرفته‌اند؛ نهادهایی که اغلب با نیت خیر آغاز می‌شوند، اما نه همه دوام می‌آورند و نه همه می‌توانند اعتماد مردم را حفظ کنند. از سوی دیگر تماس‌های مکرر برخی خیریه‌ها هم آسایش مردم را گرفته و احتمالا بیشتر ما قربانی تماس‌های وقت و بی‌وقت آنها بوده‌ایم. در میان انبوه نام‌ها و نشان‌ها،

از خوی تا تهران، از نیت تا نهاد

ماجرای تأسیس مؤسسه خیریه «عترت بوتراب» به سال ۱۳۹۲ بازمی‌گردد؛ زمانی که سیدناصر محمدسیدی، خیر بین‌المللی و شناخته‌شده در حوزه‌های مذهبی، فرهنگی و عمرانی، پس از سال‌ها تجربه در ساخت مدارس و مراکز درمانی در نقاط مختلف کشور، به همراه جمعی از بزرگان همچون حجت‌الاسلام شاهچراغی، حجت‌الاسلام شکوری، دکتر محمدعلی هادی و مرحوم رضا نیری تصمیم گرفت نهادی ویژه برای حمایت از ایثارم شهرستان خوی تأسیس کند. ایده اولیه ساده بود. حمایت هدفمند از کودکان یتیم مناطق محروم، نه فقط با کمک‌های نقدی بلکه با آموزش، توانمندسازی و ایجاد مسیر مناسب برای رشد. اما آنچه در ادامه رخ داد، رشد تدریجی مؤسسه‌ای بود که از یک شهر کوچک در آذربایجان غربی آغاز شد و امروز در شش استان کشور ریشه دوانده است. در سال‌های نخست، محور فعالیت‌ها بر استان آذربایجان غربی متمرکز بود، اما به تدریج دامنه خدمات به استان‌های کهگیلویه‌وبویراحمد، کرمانشا، ایلام، چهارمحال‌بوختیاری و هرمزان نیز گسترش یافت. حالا اما عترت بوتراب هفت‌هزار و ۵۰۰ کودک یتیم و چهارهزار و ۳۰۰ مادر را تحت پوششش خود قرار داده است. انتقال دفتر مرکزی مؤسسه از خوی به تهران در سال ۱۳۹۴، نقطه‌عطفی در مسیر حرفه‌ای‌شدن آن بود. از همان سال، «بوتراب» با دریافت مجوز ملی از وزارت کشور از یک نهاد محلی به مؤسسه‌ای در سطح کشور بدل شد.

مسیر روشن است و هدف مشخص

اساسنامه «بوتراب» بر دو محور استوار است؛ نخست، تأمین نیازهای اساسی ایثارم و خانواده‌هایشان تا رسیدن به حداقل معیشت شرافتمندانه و دوم، رشد توانمندی‌ها تا رسیدن به خودکفایی. در این مسیر، مؤسسه نه‌فقط به حمایت مالی بسنده کرده بلکه ساختاری منسجم برای رشد تحصیلی، فرهنگی، مهارتی و حتی شغلی مددجویان طراحی کرده است. از تأمین هزینه‌های معیشتی و مسکن گرفته تا آموزش مهارت‌های فنی و حرفه‌ای، از ارائه بورسیه تحصیلی و مشاوره‌های فرهنگی تا پرداخت کمک‌زنجیره ازدواج، همه در چارچوب برنامه‌هایی دقیق و قابل ارزیابی اجرا می‌شود. در واقع، فلسفه وجودی بوتراب تنها «کمک به بقا» نیست؛ بلکه «توانمندسازی برای زیستن» است.

نخستین گام در توانمندسازی از آموزش می‌گذرد

در نگاه مدیران این مؤسسه، آموزش زیربنای همه تحولات فرهنگی و اجتماعی است. از همین رو، یکی از نخستین بخش‌هایی که در ساختار بوتراب شکل گرفت، واحد آموزش و تحصیل بود. در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴، از میان بیش از شش‌هزار و ۶۰۰ فرزند در حال تحصیل، ۵۶۹ نفر دانشجو و چهارهزار و ۳۰۰ نفر دانش‌آموز هستند. در میان دانشجویان، ۱۸ نفر در مقطع دکتری، ۲۸ نفر در کارشناسی‌ارشد، ۴۴۹ نفر در کارشناسی و ۷۴ نفر در کاردانی مشغول به تحصیل هستند. بیش از ۳۷۲ نفر از آنان دختر و حدود ۱۹۷ نفر هم پسر هستند. دانشجویان و دانش‌آموزان ممتاز و کوشا در حوزه‌های متنوع اعم از علمی، فرهنگی، هنری یا ورزشی به تعداد ۹۶۹ نفر با نظام بورسیه‌ای تشویق می‌شوند که از ۲۰۰ هزار تا یک میلیون تومان در ماه دریافت می‌کنند. گروه دیگری نیز تحت عنوان «فرزندان تلاشگر» معرفی می‌شوند؛ کسانی که در تحصیل، پژوهش، فعالیت‌های فرهنگی یا ورزشی رشد چشمگیری داشته‌اند. پاداش این گروه، مبلغی بین ۴۰۰ تا یک میلیون تومان است که به عنوان نمادی از تشویق به رشد فردی پرداخت می‌شود.

مدرسه، خانه دوم فرزندان بوتراب

از میان دانش‌آموزان تحت پوشش، حدود نیمی دختر و نیمی پسر هستند و در دوره‌های ابتدایی، متوسطه اول و دوم تحصیل می‌کنند. نخستین گام برای هر کودک تازه‌پوسته، بررسی وضعیت تحصیلی اوست. اگر ترک تحصیل کرده باشد، مددکاران مؤسسه دلایل را بررسی و با همکاری مدارس و خانواده، شرایط بازگشت او را فراهم می‌کنند. مؤسسه با اجرای برنامه رصد و پایش جریان تحصیل و فعالیت‌های فرزندان دانش‌آموز و دانشجو مشمولین (بورسیه) و (تلاشگر) را شناسایی و تشویق می‌کند. در مقابل، دانش‌آموزانی که با افت تحصیلی روبه‌رو شوند، «لازم‌التوجه» نامیده می‌شوند و با بهره‌گیری از مشاور و همکاری مدرسه، ضمن برنامه‌ریزی و اجرای فعالیت‌های اجرایی از ترک تحصیل آنان پیشگیری می‌شود.



روایت ماندگاری خیریه «عترت بوتراب» در روزگار فراموشی اعتماد

۱۲ سال با دست‌های بی‌ادعا

برخی اما همچنان با شفافیت و صداقت ادامه داده‌اند، آرام و پیگیر، بی‌هیاهو اما اثرگذار. یکی از این مؤسسات، خیریه‌ای است به نام «عترت بوتراب». نهادی که حالا ۱۲ سال از آغاز فعالیتش می‌گذرد و در این مدت توانسته هزاران کودک یتیم و مادرانشان را در مسیر توانمندی و امید همراهی کند.

از کلاس‌های مجازی تا کنکور

یکی از طرح‌های خلاقانه بوتراب، طرح «رشد» است؛ شبکه‌ای از کلاس‌های مجازی برای تقویت استعدادهای خاص دانش‌آموزان که در رشته‌های گوناگون برگزار می‌شود. همچنین مؤسسه با همکاری بنیاد قلم‌چی، آموزشگاه مجازی کلاسینو، مؤسسه گزینشه دو و دبیرستان البرز، دوره‌های ویژه کنکور برگزار می‌کند و کتاب‌های کمک‌درسی را به صورت رایگان در اختیار داوطلبان قرار می‌دهد.

بازسازی ستون خانواده‌ها توانمندسازی مادران

به باور این مؤسسه مادر تنها ستون باقی‌مانده خانه در خانواده‌های یتیم است. بوتراب از همان آغاز کار، آموزش و اشتغال مادران را در اولویت قرار داده است تا از این طریق بتواند کیان خانواده را حفظ کند. در سال ۱۴۰۰، دوره‌های متعددی از جمله خیاطی، گوهرتراشی، قالیبافی، چرم‌دوزی، پرورش گل و گیاه و سایر صنایع دستی برای آنان برگزار شد. این مؤسسه خیریه در همکاری با کمیته امداد، دو نوع حمایت برای کارفرمایان در نظر گرفته است. پرداخت سهم بیمه کارفرما برای سه‌وینم سال یا اعطای وام قرض‌الحسنه ۵۰ میلیون تومانی برای هر مددجو تا بتوانند مشغول به کار شوند. البته لازم به ذکر است که در مناطق محروم، این دو امتیاز هم‌زمان اعطا می‌شود.

از آموزش تا کارآفرینی

بوتراب تنها به آموزش مهارت بسنده نکرده است. این مؤسسه خیریه طرح‌های خوداشتغالی فردی و خوداشتغالی کارگاهی متنوعی برای مادران و فرزندان طراحی کرده است. در خوداشتغالی فردی، متقاضیان بر اساس علاقه و استعداد، مشاوره شغلی و وام تا سقف ۵۰ میلیون تومان دریافت می‌کنند. برای مشاغل خرد و خانگی نیز تا شش میلیون تومان کمک بلاعوض پرداخت می‌شود. در خوداشتغالی کارگاهی، گروهی از مادران با حضور یک «راهنم شغلی» در کارگاه‌های کوچک تولیدی مشغول می‌شوند و بر اساس تفاهم با حوزه اقتصادی کمیته امداد، محصولات تولیدی مانند گلیم و جاجیم به صورت تضمینی خریداری می‌شود. همچنین در جهت پیشرفت کار به خانواده‌ها آموزش داده می‌شود که از طریق صفحات مجازی محصولات خود را عرضه کنند.

تجربه کار؛ پلی به سوی اشتغال پایدار

یکی از طرح‌های کاربردی مؤسسه، برنامه کارورزی شغلی است؛ فرصتی برای فارغ‌التحصیلان بی‌دارندگان مدرک دیپلم که به دنبال ورود به بازار کارند. در این طرح، مددجویان به کارفرمایان معرفی می‌شوند و مؤسسه ماهانه ۳۰۰ تا ۴۰۰ هزار تومان به عنوان حق‌الزحمه کارورزی به این افراد پرداخت می‌کند. این دوره شش‌ماهه، همراه با بیمه حوادث، فرصتی است برای تجربه‌کردن واقعی محیط کار.

خانه‌ای برای هر خانواده

داشتن سقفی امن، یکی از دغدغه‌های اصلی بوتراب از آغاز تا امروز بوده است. تاکنون این مؤسسه در ساخت، خرید یا تعمیر صدها خانه برای خانواده‌های ایثارم نقش داشته است. بر اساس گزارش رسمی مؤسسه، از زمان تأسیس مؤسسه تاکنون ۳۴۸ واحد مسکونی احداث، ۲۸۳ خریداری و تعمیرات ۳۴۸ واحد دیگر انجام شده است. همچنین ۳۹ خانه رهن و اقساط معوق ۱۳ واحد پرداخت شده است. به گفته مسئولان مؤسسه، تأمین هزینه‌های سنگین ساخت‌وساز در سال‌های اخیر به واسطه تورم مصالح دشوار بوده، اما همکاری با بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و مشارکت دولت و مردم، امید به ادامه این مسیر را زنده نگه داشته است.

از معیشت روزمره تا امید بلندمدت

در کنار طرح‌های کلان، بوتراب به زندگی روزمره مددجویان نیز توجه دارد، به این صورت که هر ماه مبلغی به عنوان کمک هزینه معیشت به حساب فرزندان واریز می‌شود تا خود آنان اختیار خرج آن را داشته باشند. این مبلغ گرچه اندک است، اما برای بسیاری از کودکان، نشانه‌ای از استقلال و اعتمادبه‌نفس است. همچنین مؤسسه جهت رفع امورات فرزندان و خانواده‌ها اقدام به حامی‌یابی کرده است. همچنین در آستانه نوروز، سبد عیدانه‌ای شامل مواد غذایی، پوشاک، شیرینی و اقلام بهداشتی برای خانواده‌ها تهیه و به منزلشان ارسال می‌شود.



روایت ماندگاری خیریه «عترت بوتراب» در روزگار فراموشی اعتماد

برخی اما همچنان با شفافیت و صداقت ادامه داده‌اند، آرام و پیگیر، بی‌هیاهو اما اثرگذار. یکی از این مؤسسات، خیریه‌ای است به نام «عترت بوتراب». نهادی که حالا ۱۲ سال از آغاز فعالیتش می‌گذرد و در این مدت توانسته هزاران کودک یتیم و مادرانشان را در مسیر توانمندی و امید همراهی کند.

موضوع ازدواج و اهمیت پایداری خانواده

یکی از دغدغه‌های کمتر دیده‌شده در میان خانواده‌های یتیم، مسئله ازدواج و تشکیل زندگی پایدار است. مؤسسه عترت بوتراب در این زمینه نیز نقش فعالی دارد. با استفاده از خدمات روان‌شناسی و مشاوره خانواده، مددکاران مؤسسه تلاش می‌کنند مسیر ازدواج جوانان را هموار کنند و با آموزش مهارت‌های زندگی، از بروز طلاق جلوگیری کنند. از سال ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۴، هزینه ازدواج هزار و ۲۷۳ نفر از فرزندان تحت پوشش توسط بوتراب تأمین شده است؛ از ۹ ازدواج در سال نخست تا ۴۱۳ ازدواج در سال ۱۳۹۵. آماری که نشان از تأثیر اجتماعی و فرهنگی این مؤسسه دارد. در راستای شناساندن خدمات مؤسسه ذکر موارد ذیل ضروری به نظر می‌رسد: جشن تجلیل از مادران فداکار و سبد کالای فرزندان زیر شش سال جهت پیشگیری از سوءتغذیه کودکان، کمک‌هزینه لوازم خانگی، اطعام ماه رمضان، صله ارحام، اردوهای زیارتی و سیاحتی.

مؤسسه‌ای مردم‌نهاد، ساختارمند و شفاف

موفقیت ۱۲ساله عترت بوتراب بی‌تردید حاصل ترکیب دو عنصر ایمان و انضباط است. این مؤسسه از همان آغاز بر این باور استوار بود که نیکوکاری تنها با نیت خیر کافی نیست؛ بلکه نیازمند برنامه‌ریزی، نظارت و ارزیابی مستمر است. سیدناصر محمدسیدی و اعضای هیئت مؤسس با بهره‌گیری از تجربیات نهادهای بین‌المللی و ملی، ساختاری مردم‌نهاد اما قانون‌مند بنا کردند. هر طرح آموزشی یا فرهنگی پیش از اجرا مورد مطالعه کارشناسی قرار می‌گیرد و نتایج آن در گزارش‌های دوره‌ای ارزیابی می‌شود. این شفافیت، همان چیزی است که به گفته کارشناسان، باعث دوام و اعتماد عمومی به بوتراب شده؛ سرمایه‌ای که در میان انبوه خیریه‌های مقطعی و بی‌پشتوانه، کمیاب است.

پیوند ایمان و عمل

نگاه دینی در فعالیت‌های مؤسسه تنها به شعارن محدود نمی‌شود، بلکه در دل برنامه‌های اجتماعی و فرهنگی جاری است. در کلاس‌های فوق برنامه، ارزش‌های اخلاقی و قرآنی در کنار مهارت‌های علمی و هنری آموزش داده می‌شود. مؤسسه باور دارد که پرورش انسان مؤمن و مستقل، بهترین خدمت به جامعه است؛ انسانی که نه تنها از فقر رها شود بلکه به یاری دیگران بشتابد.

آینده‌ای روشن، هرچند دشوار

اکنون، پس از ۱۲ سال، عترت بوتراب نه تنها به عنوان یکی از مؤسسات فعال در حوزه ایثار شناخته می‌شود، بلکه الگویی از کار نهادهی و مسئولانه در فضای خیریه‌ای کشور به شمار می‌آید. با این حال، مدیران مؤسسه از چالش‌های پیش‌رو نیز آگاه‌اند؛ تورم، کاهش کمک‌های مردمی و افزایش نیازها، کار را دشوار کرده است. اما آنچه آنان را سر پا نگه داشته، همان چیزی است که روز نخست، بنیاد این راه بود، یعنی باور به انسان، امید به خدا و تکیه بر مردم. در روزگاری که اعتماد عمومی به برخی نهادهای خیریه خدشه‌دار شده، بوتراب همچنان می‌کوشد ثابت کند که نیکوکاری، اگر با شفافیت و برنامه همراه شود، نه تنها ممکن بلکه ماندگار است.

داشتن سقفی امن، یکی از دغدغه‌های اصلی بوتراب از آغاز تا امروز بوده است. تاکنون این مؤسسه در ساخت، خرید یا تعمیرصدهاخانه برای خانواده‌های ایثارم نقش داشته است. بر اساس گزارش رسمی مؤسسه، از زمان تأسیس مؤسسه تاکنون ۳۴۸ واحد مسکونی احداث، ۲۸۳ خانه خریداری و تعمیرات ۳۴۸ دیگر انجام شده است

یادداشت

ضرورت کوچک‌سازی دولت

علی اصغرکلانتری

بازنشسته جهادکشاورزی

ریاست محترم جمهور، جناب آقای دکتر پزشکیان، به‌تازگی و در جلسه‌ای با برخی نمایندگان مجلس بیان فرموده‌اند که بزرگی نظام اداری باعث کسندی و ناکارآمدی دولت شده و از نمایندگان محترم مجلس درخواست کرده‌اند که در کوچک‌سازی دولت به ایشان مساعدت کرده، ضمناً مخالفت و مقاومت برای اصلاح نظام اداری در بخش‌های مختلف را مورد انتقاد قرار داده بودند.

ایشان با یادآوری اینکه امروز در حالی بیش از ۸۵ درصد منابع کشور صرف هزینه‌های جاری نظام اداری می‌شود که درخواست‌های متعدد و مکرری برای جیم‌ترشدن در قالب ارتقای تقسیمات کشوری و نظایر آن از سوی نمایندگان مجلس و مسیرهای دیگر نیز مطرح می‌شود. در راستای فرمایشات ریاست محترم جمهور، جناب دکتر پزشکیان و نظری به کاهش مرتب بودجه‌های عمرانی در مقابل بودجه‌های هزینه‌ای (دولتی) و همچنین ظهور ناترازی‌های مختلف نظیر آب، برق، گاز، تخریب فراوان منابع آب و محیط زیست که در سال‌های اخیر بروز آنها شدید و گریبان‌گیر کشور عزیزمان شده و مشکلات عدیده‌ای در این راستا ایجاد کرده است و نظر به تجربه و اندوخته‌های فراوانی که در وزارتخانه جهاد کشاورزی چه به صورت مدیر اجرایی و چه به صورت کارشناس همراه داشته و در آنجا مشغول فعالیت و خدمت بودم، لازم دیدم برای نمونه و پایلوت پیشنهاد کوچک‌سازی را از این وزارتخانه مطرح کنم تا اگر مصلحتی در این پیشنهاد ملاحظه شد، پیگیری در دیگر قسمت‌های دولت نیز انجام شود.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، بیشتر وظایف ادارات موجود در مدیریت جهاد کشاورزی مثل زراعت، باغبانی، گیاهپزشکی، آب و خاک، ترویج، امور دام و عشایر و... خدماتی و مشاوره‌ای است و با توجه به وجود پتانسیل فراوان این خدمات و مشاوره‌ها در بخش خصوصی و در بین دانش‌آموختگان بخش کشاورزی با تجارب و تجربه علمی بالا که قادر هستند این خدمات را به نحو عالی و حالت رقابت و مناقصه‌گونه برای اجرای سیاست‌های دولت در بخش کشاورزی انجام دهند، بنابراین وجود ادارات و ساختمان‌های عریض و طویل با پرسنل فراوان غیرضرور و بهره‌وری ناچیز در مقابل هزینه‌های بیش از حد انجام‌شده و آن‌هم در این شرایط نامطلوب اقتصادی کشور، هیچ‌گونه توجیه و استدلال منطقی نداشته و جز نارضایتی دلسوزان کشور به‌ویژه تولیدکنندگان معزز کشاورزی حاصل دیگری را به دنبال نخواهد داشت.

بنابراین جلوگیری از استخدام نیروهای جدید در بخش‌های یادشده (جزر در مورد ضروری و حاکمیتی) امری ضروری به نظر رسیده و نیروهای موجود هم در بخش‌های منابع طبیعی، محیط زیست و امور اراضی باید ادغام شد و مابقی نیروها به تعداد کم صرفا در مرکز استان یا شهرهای مهم و بزرگ باید به فعالیت خود ادامه دهند.

قدر مسلم تعطیلی و واگذاری ساختمان‌های متعدد وزارت جهاد کشاورزی در شهرها و مناطق مختلف کشور صرفه‌جویی عظیمی برای دولت به همراه داشته و ایجاد اشتغال، تقویت و ارتقای بخش خصوصی، توزیع بهتر و مطلوب‌تر نهاده‌های کشاورزی، خدمات مشاوره‌ای و کارشناسی... در این عرصه را به دنبال خواهد داشت. امیدواریم با تقویت بخش خصوصی همراه با کوچک‌سازی دولت در این بخش، نظارت‌های دولت کارآمدتر و دقیق‌تر شود و سیاست‌های دولت در بخش کشاورزی از طریق بخش خصوصی که ان‌شاءالله فعال‌تر و علمی‌تر ظاهر خواهند شد، اجرا شود.